



رجی دولت جدید امریکا بررسی کردند

در واشنگتن

فشار حداکثری برای مذاکره



مجدد محمدشریفی استادیار روابط بین الملل دانشگاه خوارزمی

شمای کلی رویکرد ترامپ به ایران را در چند سطح باید درنظر گرفت: اول، چشم‌انداز و جهان بینی ترامپ نسبت به کشورهای جهان، خصوصاً جمهوری اسلامی ایران است، یعنی نگاه و جهان بینی شخصی او نسبت به جهان است که کاملاً آن را رقابتی و مبتنی بر «جنگ همه علیه همه» می بیند. این رویه حتی نسبت به متحدان اروپایی امریکا نیز طبیعتاً جمهوری اسلامی هم در این جهان بینی

در ردیف دشمنان امریکا قرار می گیرد. فارغ از این جهان بینی کلی، باید به نگاه شخصی خود او نسبت به ایران اشاره کرد و در مقطع کنونی، به اتهامی بازمی گردد که دولت امریکا متوجه ایران می کند و آن، اتهام ترسور ترامپ است که البته از سوی تهران رد شده است. این امر مؤید یک نوع خصومت شخصی نسبت به ایران است.

در سطح دوم، باید رویکرد کابینه ترامپ را بررسی کرد؛ اشخاصی که مسئول سیاستگذاری

خارجی دولت ترامپ هستند نظیر «مایکل والتز» مشاور امنیت ملی رئیس جمهوری، «مارک رابینو» وزیر خارجه و جان راتکلیف رئیس CIA و دیگران عموماً افرادی هستند که به داشتن رابطه نزدیک با اسرائیل و خصومت نسبت به ایران مشهور هستند؛ یعنی مانند خود ترامپ یک جهان بینی ضدایرانی دارند. به عنوان مثال، مایکل والتز، اخیراً اعلام کرده است که «تغییر سیاست خارجی ترامپ نسبت به جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه

را مشاهده خواهید کرد»، یعنی به نظر می رسد که خود تیم ترامپ هم تمرکز خاصی روی جمهوری اسلامی ایران دارد و این تمرکز معطوف به سیاست «فشار حداکثری دو» است. در نتیجه در سطح دوم، یعنی در سطح کابینه ترامپ هم می شود این ضدیت با جمهوری اسلامی ایران و تلاش برای اعمال فشار را مشاهده کرد.

وجه سوم این بررسی به تحولاتی که در سطح منطقه رخ داده، بازمی گردد. تحولاتی که در

یک سال گذشته در منطقه اتفاق افتاده، بر نگاه ترامپ به جمهوری اسلامی ایران مؤثر بوده است. درست یا غلط، این باور در بین مقامات اسرائیلی و امریکایی جا افتاده است که به خاطر اتفاقاتی که در غزه و لبنان و خصوصاً سوریه روی داده است، جمهوری اسلامی ایران در موضع متفاوتی قرار دارد، بنابراین می توان برآن شمار آورد.

ادراک دیگری که در ذهن مقامات امریکایی به

درست یا غلط حول ایران شکل گرفته، ناظر به مسائل داخلی ایران است. برآیند مجموع این سه سطح در کنار هم این گزاره را برجسته می کند که ارزیابی تیم ترامپ برای مواجهه با ایران اعمال سیاست «فشار حداکثری» با نیروی بیشتر نسبت به قبل است. توصیه نامه های اندیشکده های نزدیک به ترامپ هم این موضوع را تأیید می کنند که بازگشت سیاست «فشار حداکثری» علیه ایران گزینه مطلوب دولت ترامپ خواهد بود.

ترامپ به جمع بندی نرسیده است



فؤاد ایزدی استاد مطالعات امریکا در دانشگاه تهران

بحث مذاکره با امریکا در دولت ترامپ موضوع داخلی ما در ایران است. هم رئیس جمهوری، هم وزیر خارجه، هم دکتر ظریف به عنوان معاون راهبردی رئیس جمهوری و هم بعضی دیگر از اعضای دولت ماه های گذشته بارها درباره مذاکره صحبت کردند. دکتر ظریف در مقاله ای که در مجله فارین افرز نوشته اند، اشاره کردند که ایران، هم در حوزه هسته ای آمادگی مذاکره دارد، هم در حوزه های غیرهسته ای. اما مقامات دولت امریکا و شخص ترامپ تا کنون درباره احتمال مذاکره با ایران هنوز به طور رسمی صحبتی نکرده اند. نکته جالب توجه اینکه عدم تمایل مقامات دولت امریکا به مذاکره با ایران در رابطه با پرونده هسته ای محدود به ترامپ و کابینه پیشنهادی او نیست و مقامات دولت بایدن و شخص او نیز تمایلی به مذاکره پیرامون احیای برجام نشان ندادند. دلیل رویکرد دولت بایدن به عدم مذاکره با ایران، توافق برجام بود که ابزارهای نظارتی متعددی را بر نظام تأسیسات هسته ای ایران مسلط کرد و عملاً منجر به عدم نیاز دولت امریکا به مذاکره با ایران درباره احیای برجام شد.

براین اساس می توان اینطور برداشت کرد که برجسته شدن موضوع مذاکره با امریکا در ایران بیشتر معطوف به سیاست داخلی ایران است و نباید انتظاری برای دعوت دولت امریکا از ایران به مذاکره داشت. موضوع بعد درباره اینکه چشم انداز روشنی برای مذاکره وجود ندارد، رویه اتخاذ شده از سوی ترامپ و کابینه انتخابی اوست که هیچ کدام در اظهارنظرات خود علاقه ای به مذاکره نشان نداده اند و در عین حال تحت تأثیر یک برداشت اشتباه از وضعیت داخلی و قدرت ملی ایران، کابینه ترامپ دچار یک اختلاف نظر اساسی در رابطه با نحوه مواجهه با ایران است. در این مجموعه «طیف حداقلی» و «حداکثری» از اعضای کابینه ترامپ بر سر مذاکره و تقابل با ایران دچار اختلاف نظر هستند و هنوز به جمع بندی دقیقی درباره نحوه مواجهه با ایران نرسیده اند. به عبارت دیگر دولت ترامپ هنوز به استراتژی منسجمی برای مواجهه با ایران نرسیده و همین امر هم سبب شده تا برخلاف روندهای داخلی ایران، پالس های مذاکره از سوی ترامپ و افراد پیشنهادی او برای کابینه مخایره نشود. آنچه درباره سیاست خارجی ترامپ در قبال ایران مشخص است، بحث اجرای فشار حداکثری با شدت بیشتر است و در این راستا اقدامات ایران باید در مسیر انسجام داخلی و یکصدایی در عرصه سیاست خارجی باشد. به عبارت دیگر گفتمان و عملکرد مقامات عالیرتبه کشور باید به سمت و سویی سوق پیدا کند که اتاق فکر سیاست خارجی دولت ترامپ مذاکره را نه امتیازی برای ایران که نیاز حیاتی دولت امریکا تفسیر کند.



کوروش احمدی دیپلمات سابق

عملکرد ترامپ در دور اول ریاست جمهوری اش حاکی از تمایل او به مذاکره با ایران بود و به نظر می رسد او در دولت دوم خود نیز همین راهبرد را دنبال خواهد کرد. ترامپ در دوره اول ریاست جمهوری اش، طی ۱۵ ماه اول پیگیر مذاکره با ایران بود و بعد از آن از برجام خارج شد و سپس دوباره پیگیر مذاکره با ایران بود. نمود عملی این اقدامات نیز در واسطه قرار دادن «آبه شینزو» نخست وزیر وقت ژاپن برای بازسازی روابط با ایران است و بعد از آن سناتور «رند پال» را به عنوان فرستاده خود برای ملاقات با وزیر خارجه وقت، جواد ظریف معرفی کرد و در نهایت امانوئل مکرون در این عرصه فعال شد.

با وجود پابرجا بودن رویکرد کلی مذاکره توسط ترامپ، اما در دولت دوم او؛ یک دوراهی وجود دارد: پرسش این است که آیا روابط با ایران را همزمان با اعلام مجدد «فشار حداکثری» آغاز می کند یا با پیشنهاد مذاکره؟

برآوردها نشان می دهد که او با پیشنهاد مذاکره رابطه با ایران را شروع خواهد کرد و بعد از آن، بسته به واکنش ایران اقدام خواهد کرد. بر این اساس چنانچه ایران با مذاکره موافقت نکند، ممکن است که همانند دور اول ریاست جمهوری خود به سراغ راهبرد فشار حداکثری برود. نکته قابل توجه اینکه تفاوت وضعیت ترامپ در دولت دوم با دولت اول موضوع برجام است. رئیس جمهوری امریکا در دولت اول، تمرکز خود را بر برجام گذاشته بود. به عبارتی او به دنبال اصلاح برجام و تبدیل کردن آن به دستاوردی برای خود بود. این بار اما با توجه به اتفاقاتی که در جهان و منطقه رخ داده و موقعیتی که در امریکا دارد، ممکن است در پی مذاکرات جامعی با طیف وسیع تری از موضوعات، اعم از هسته ای و منطقه ای باشد.

نکته دیگر به ارزیابی تأثیر شخص ترامپ و وزن کابینه او درخصوص ارتباط با ایران بازمی گردد که به نظر می رسد رویکرد شخصی ترامپ در نهایت غالب شود؛ اما با این حال، نباید از تأثیر حلقه اطرافیان او غافل شد.

در ۱۵ ماه اول دوره اول ریاست جمهوری ترامپ، چهره های جمهوری خواه سنتی نسبتاً معقولی در کابینه و تیم مشاوران ترامپ بودند؛ از «جیمز ماتیس» وزیر دفاع و «رکس تیلرسون» وزیر خارجه تا «هربرت مک مستر» مشاور امنیت ملی که هیچ کدام از تیپ شخصیت هایی مثل بولتون و مایک پمپئو نبودند. بولتون و پمپئو در آوریل ۲۰۱۸ به کابینه اضافه شدند و دو ماه بعد از آمدن آنها بود که ترامپ از برجام خارج شد. در این دوره اما ترامپ اولویت انتخاب برای حلقه مشاورین خود را به وفاداران و تابعان خود اختصاص داده تا بتوانند دیدگاه ها و نظراتش را در سیاست خارجی پیاده کند.



عکس: GettyImages



گاهی اوقات تغییرات چشمگیری در سیاست خارجی ایالات متحده به وجود خواهد آورد، اما این تغییرات تنها بخشی از کل داستان خواهد بود. ثبات منافع و ارزش های ایالات متحده، نقش کنگره و واقعیت های دنیای امروز خواستار میزان زیادی از استمرار خواهد بود. اگرچه تیم جدید قصد دارد رویکرد بایدن را معکوس کند، ممکن است خودشان از اینکه چقدر دو دولت شباهت دارند، شگفت زده شوند.

منبع: Foreign Affairs

ترامپ احتمالاً مانند اوباما و بایدن، به دنبال اولویت دادن به منطقه هند و اقیانوس آرام در سیاست خارجی ایالات متحده خواهد بود و مانند آنها با چالش هایی در این زمینه مواجه خواهد شد. او احتمالاً همچنین سعی خواهد کرد از درگیری نظامی مستقیم با کشورهای دیگر جلوگیری کند، همان طور که بایدن با روسیه، در افغانستان و در خاورمیانه انجام داده است. ترامپ خوجی هایی را در سیاست خارجی امریکا آغاز خواهد کرد که گاهی اوقات دراماتیک است.